

Designing and Explaining the Model of Aesthetics Education Curriculum in Farhangian University

Akbar Parvizi¹, Seyed Sadegh Zamani^{2*}, Marzban Adibmanesh³

1. Ph.D. Student in Philosophy of Art, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

2. Assistant Professor, Department of Philosophy of Art, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran

(Received: October 3, 2020; Accepted: August 30, 2021)

Abstract

The purpose of study was to design and explain the model of aesthetic education curriculum in Farhangian University. The type of research is qualitative and in terms of purpose, it is applied research. The statistical population of the present study consists of administrators, policy makers and curriculum planners of Farhangian University. Among them, using purposive sampling and semi-structured interviews with 14 people, theoretical saturation was obtained in the data. The face and content validity of the interview was reviewed and confirmed by five experts from Farhangian University. Its reliability was also tested and confirmed through reliability between coders. Findings showed that in the model designed in the objectives section into cognitive, emotional and psycho-motor domains; In content to knowledge, attitude and skills; In the field of teaching-learning methods, the individual differences of learners, and finally in evaluation, the use of various evaluation methods in the curriculum of aesthetic education has been considered.

Keywords: Aesthetic education, Curriculum, Farhangian University.

* Corresponding Author, Email: zamani@iausdj.ac.ir

طراحی و تبیین الگوی برنامه درسی تربیت زیبایی شناسی در دانشگاه فرهنگیان

اکبر پرویزی^۱، سیدصادق زمانی^{۲*}، مرزبان ادیب‌منش^۳

۱. دانشجوی دکتری فلسفه هنر، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران
 ۲. استادیار، گروه فلسفه هنر، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران
 ۳. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
- (تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی و تبیین الگوی برنامه درسی تربیت زیبایی شناسی در دانشگاه فرهنگیان انجام شده است. نوع پژوهش، کیفی و از نظر هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را متولیان، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان درسی دانشگاه فرهنگیان تشکیل می‌دهند که از این بین با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و با مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۴ نفر، اشباع نظری در داده‌ها حاصل شد. روایی صوری و محتوایی مصاحبه توسط پنج نفر از متخصصان حوزه دانشگاه فرهنگیان، و پایایی آن نیز از طریق پایایی بین کدگذاران بررسی و تأیید شد. یافته‌های پژوهش نشان داد در الگوی طراحی شده در بخش اهداف به حیطه‌های شناختی، عاطفی و روانی- حرکتی؛ در محتوا به دانش، نگرش و مهارت؛ در حیطه روش‌های یاددهی- یادگیری، به تفاوت‌های فردی فراگیران، و در نهایت، در ارزشیابی به استفاده از روش‌های متنوع ارزشیابی در برنامه درسی تربیت زیبایی شناسی توجه شده است.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، تربیت زیبایی شناسی، دانشگاه فرهنگیان.

مقدمه

تعلیم و تربیت به عنوان یک نهاد تربیتی و آموزشی که مسئولیت تعلیم علوم و تربیت شهروندی را به عهده دارد؛ باید به تمامی ابعاد وجودی انسان توجه کند. ولی نگاهی به تاریخ تعلیم و تربیت ایران، نشان می‌دهد که سیستم آموزشی ایران در بعد آموزشی و شناختی هدفمند عمل می‌کند و سایر ابعاد وجودی انسان یا به فراموشی سپرده شده، یا اگر هم دیده شده است، خیلی چشمگیر و هدفمند نیست؛ در حالی که مهم‌ترین هدف تعلیم و تربیت کشف نقاط قوت درونی هر فرد، و کمک به آن‌ها در شناسایی توانایی‌های ذهنی و عملی خود است (ندیمی، ۱۳۹۳، ص ۱).

نظام‌های آموزشی عموماً با استفاده از شیوه‌های تلقینی و تحمیلی، منحصرأ به ایجاد رفتار و تبدیل آن به عادت متناسب با ارزش‌ها یا فضیلت‌های اخلاقی و اعتقادی می‌پردازند که منجر به ناکارآمدی آن در عمل، رفتار و فاصله‌گرفتن و گسست عاطفی با مسائل شناختی و ادراکی شده است. در این راستا، تربیت زیبایی‌شناسی می‌تواند بسیار مؤثر عمل کند و در حل مسائل مذکور کارآمد باشد. تربیت زیبایی‌شناسی به عنوان رویکردی توانمند و با تکیه بر مجموعه‌ای از شناخت‌ها، نگرش‌ها و احساسات به صورت هماهنگ، می‌تواند با تأکید بر ابعاد مختلف وجودی انسان و با پشتیبانی شناختی-عاطفی با مجموعه‌ای از اهداف، غایت‌ها و جهت‌گیری‌های نظام آموزشی همراه شود (گرمابی و همکاران، ۱۳۹۴). در حالی که نگاه تربیتی مبتنی بر هنر و زیبایی‌شناسی در جامعه ایران به شدت مورد غفلت واقع شده و جایگاه آن در تربیت هنری به درستی شناخته نشده است. به صورتی که حتی توصیه‌های اسناد بالادستی تعلیم و تربیت از جمله تأکید بر ساحت هنر و زیبایی‌شناسی در مباحث تربیتی نیز، در عمل دریچه تازه‌ای نگشوده است.

بعد عاطفی فراگیران هم در نظام‌های آموزشی کمتر مورد توجه بوده و نظام آموزش و پرورش، از حاکمیت یک‌جانبه رویکرد شناختی تبعیت کرده و به رویکرد زیبایی‌شناختی توجه نداشته است. از سوی دیگر، با عنایت به تفکیک‌ناپذیری شناخت از عاطفه، برنامه‌دستی با رویکرد زیبایی‌شناسی می‌تواند به عنوان مکمل برنامه‌دستی فعلی که با رویکرد شناختی طراحی شده است، مطرح باشد (مهرمحمدی، ۱۳۹۰). بنابراین، ضروری است تغییراتی در طراحی برنامه‌های آموزشی بویژه عناصر

اصلی برنامه درسی صورت گیرد تا آن توازن و انسجام لازم در فرایند تعلیم و تربیت برقرار شود (ادیب‌منش، ۱۳۹۶). نکته دیگر اینکه توجه به بعد احساسی و عوامل هنری و درک زیبایی‌شناسی در مسائل آموزشی و تربیتی، حس لذت و رضایت‌مندی در فراگیران را بر می‌انگیزد و منجر به ایجاد انگیزه درونی برای یادگیری بیشتر و پرورش استعدادها و نهفته و بروز خلاقیت در آنان شده و در نهایت، باعث تقویت یادگیری در فراگیران می‌شود.

با این شرایط، تجربه زیبایی‌شناسی می‌تواند به عنوان یک شیوه جدید آموزشی در تربیت اخلاقی به کار رود و به این نحو که با ایجاد بینش و نگرش عاطفی در ارزش‌ها، زمینه پرورش همه‌جانبه انسان را فراهم کند و تعلیم و تربیت را از الگوهای اجباری مسائل ارزشی و اخلاقی به الگوهای مؤثر و داوطلبانه و لذت‌بخش تبدیل کند (طهماسب‌زاده، ۱۳۹۳). این شیوه تربیتی، اندیشه و احساس را به هم پیوند می‌دهد و یادگیری‌های فراگیران را به تجربیات زیبایی‌شناسی مبدل می‌کند که در آن علاوه بر توجه به اندیشه و خردورزی در شناخت، عشق به ارزش‌ها و تجلیات هنری را در آنان ایجاد می‌کند و مهم‌تر از همه به رضایت‌مندی در آنان منجر می‌شود.

بر این اساس، توجه ویژه به مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی در فراگیران در نظام دانشگاهی، از کارکردهای اساسی و مهم به حساب می‌آید که مورد توجه اندیشمندان و فیلسوفان قرار گرفته است (کلارک^۱، ۲۰۱۷). در این بین، دیویی به عنوان یکی از فیلسوفان تعلیم و تربیت در عرصه تجربه زیبایی‌شناسی و اخلاق بسیار سخن گفته و معتقد است که نسبت به این جنبه تعلیم و تربیت، کوتاهی شده است. دیویی با طرح نظریه تجربه زیبایی‌شناسی، اکثر نظریه‌های سنتی تربیت را مورد انتقاد قرار داد، نظریه‌هایی که تماماً بر حیطه‌های شناختی دانش‌آموزان تأکید می‌کردند و به سایر حیطه‌های انسان بی‌توجه بودند. دیویی با آگاهی از این کمبودها در نظام آموزشی، به طرح تجربه زیبایی‌شناسی پرداخت. تجربه زیبایی‌شناسی دیویی، تجربه‌های معمول زندگی است که در طبیعت مادی انسان صورت می‌گیرد و از امور ماوراطبیعی به دور است (انصاری، ۱۳۹۳).

به هر حال، محققان تربیتی به اهمیت تجربه زیبایی‌شناسی در فرایند تعلیم و تربیت پی برده و

1. Clarke

در مقالات و پژوهش‌های که به صورت کمی و کیفی انجام داده‌اند، اهمیت موضوع را نشان داده‌اند. در این قسمت، به چند نمونه از پژوهش‌های انجام گرفته داخلی و خارجی که با تربیت زیبایی‌شناسی در پژوهش حاضر مرتبط هستند، اشاره می‌شود.

اورماچر^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به منظور ایجاد فرصت‌هایی برای دانش‌آموزان که به طور زیباشناسانه‌ای تجربیات یادگیری کسب شده دارند، با استفاده از تجربه زیبایی‌شناسی دیویی نشان می‌دهد چنین پایانی دست‌یافتنی است. علاوه بر آن، او شش حیطه ارائه می‌دهد که معلمان می‌توانند برای کمک به دانش‌آموزان طراحی کنند تا تجربیات یادگیری کسب‌شده را به دست آورند. این ضامین شامل ارتباطات، تعهد فعال، تجربه حسی، ژرف‌اندیشی، پذیرش ریسک و تخیل است. از پیامدهای ایجاد تجربه یادگیری زیباشناسانه دقیقاً رضایت‌مندی دانش‌آموزان، افزایش دانش مفهومی، یادسپاری حافظه نامنسجم، معناسازی، خلاقیت و نوآوری است.

اورال^۲ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «تدریس به عنوان تجربه پایانی» به تحلیل دیدگاه دیویی در تجربه زیبایی‌شناسی و تأثیر ابعاد آن بر نحوه تدریس و به ویژه بر آموزش معلمان پرداخته است. وی با مطالعه آثار دیویی از قبیل تجربه و طبیعت و هنر به مثابه تجربه، و با شیوه هرمنوتیکی - پدیدارشناسی، به این نتیجه رسید که حاصل تدریس یک تجربه پایانی است که با سنت آمریکایی در آنچه که جان دیویی تحت مدرسه‌ای عنوان کرده هماهنگ است و در واقع، ضرورت دارد به عنوان تلاشی مجدد برای ارائه ابعاد زیبایی‌شناسی در ایجاد شخصیت مثبت که در اثر این تجربه پایانی به دست آمده، به سمت آموزش معلمان حرکت کند.

پورحسینی (۱۳۹۴) در پژوهشی به نتایج ذیل دست یافتند: فرایند تدریس و یادگیری، تجربه‌ای زیبایی‌شناختی است و باید به صورت زیبایی‌شناختی ارائه شود و از دیدگاه دیویی برای اینکه فرایند تدریس و یادگیری، زیبایی‌شناسی باشد، باید مواردی از قبیل استفاده از مبانی علمی در فرایند تدریس و یادگیری؛ تدریس واحد داشتن؛ پرهیز از تقابل‌ها در تدریس؛ اتصال یادگیری با امور روزمره و اجتماعی؛ استفاده از عوامل روان‌شناسی مثل تخیل و عاطفه در فرایند تدریس و یادگیری؛ نگاهی

1. Uhrmacher

2. Oral

زیبایی‌شناختی داشتن به شغل معلمی؛ استفاده از بازی در این فرایند؛ ضرورت صداقت و نظم برقرار ردن به صورت هنرمندانه را به کار بست.

در زمینه تربیت زیبایی‌شناسی، ژیرود، تایمن و وجیکویز^۱ (۲۰۱۰) طی یک برنامه شبه تجربی در بررسی‌های تدریس و یادگیری پنج سال اول دوره ابتدایی نشان دادند تجربه زیبایی‌شناسی در برابر امر تدریس و یادگیری در یک چارچوب عقلانی- شناختی قرار دارد. در این بررسی، تجربه زیبایی‌شناسی در فرایند تدریس و یادگیری بیشتر ترویج یافت و مشخص شد که مفاهیم علمی ماندگاری بیشتری در دانش‌آموزان ایجاد کرده است. آنان خاطر نشان کردند تجربه‌های زیبایی‌شناسی موجب می‌شود که دانش‌آموزان جهان را به شکل متفاوتی ببینند و گرایش و هیجان بیشتری برای جهان خارج از مدرسه داشته باشند.

مهرمحمدی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به معرفی نیروی تخیل به عنوان یکی از تجارب زیباشناسانه تربیت و اهمیت آن در برنامه درسی کودکان اشاره می‌کند. وی پذیرش اصل تازه‌ای در طراحی آموزشی و چگونگی پاسخ‌دهی آموزش به قدرت و ظرفیت تخیل به عنوان یک ابزار ذهنی یا یک منبع مغتنم در فرایند یاددهی-یادگیری را در کانون توجه قرار می‌دهد. در ادامه، ظرفیت تخیل در انسان را از منظر اثباتی مورد توجه قرار داد و ضرورت پرورش آن در نظام‌های تعلیم و تربیت را از ابعاد گوناگون از جمله نقش تخیل در تفکر مفهومی، نسبت گسست‌ناپذیر تخیل با خلاقیت و نسبت تخیل با حل مسأله را به بحث گذاشت.

در پژوهشی دیگر، شریف‌زاده و تسلیمان (۱۳۸۹) ملاک‌های ادراک زیبایی‌شناسانه در انسان و بررسی ماهیت آن از نظر فلسفی و تأثیرات آن بر مباحث تعلیم و تربیت را تعیین کردند. آن‌ها با شیوه توصیفی-تحلیلی به مبانی فلسفی زیبایی‌شناسی از حیث دلالت‌های تربیتی پرداختند و به این نتایج رسیدند که بین زیبایی‌شناسی و فرایند تعلیم و تربیت ارتباط خاصی وجود دارد، طوری که زیبا می‌تواند عمل تربیتی خودانگیخته را موجب شود. آن‌ها همچنین، دریافتند که در جریان تربیت باید شرایطی را فراهم آورد تا متربی خود به تجربیاتی دست یابد و از درون متحول شود و عنصر زیبایی‌شناسی می‌تواند در این زمینه، نقش مهمی را ایفا کند.

1. Girod, Twyman & wojcikiewicz

ندیمی (۱۳۹۳) در پژوهشی به این نتایج دست یافت که باتوجه به اینکه بعد عاطفی فراگیران در برنامه درسی درسی کمتر مورد توجه است و با عنایت به تفکیک‌ناپذیری شناخت از عاطفه، برنامه درسی با رویکرد زیبایی‌شناسی می‌تواند به عنوان مکمل برنامه درسی فعلی باشد که با رویکرد شناختی طراحی شده است. بنابراین، ضروری است تغییراتی در طراحی برنامه درسی به ویژه عنصر اصلی برنامه درسی صورت گیرد تا آن توازن و انسجام لازم در برنامه درسی برقرار شود.

سرمدی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان: «استلزامات تربیتی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی جان دیویی در نظام آموزشی از راه دور ایران» انجام دادند، نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که، استلزامات تربیتی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی جان دیویی، منجر به افزایش میزان رضایت خاطر در فراگیران خواهد شد و یک برنامه مطلوب آموزشی و تربیتی برای فراگیران متناسب با علایق آنها ایجاد خواهد کرد و سبب خواهد شد که فراگیران بیرون از محیط آموزش رسمی گرایش و هیجان بیشتری داشته باشند.

به هر حال، همچنان که از مبانی نظری و پیشینه پژوهشی سایر پژوهش‌ها مشخص است، رویکرد هنر و زیبایی‌شناسی، از سوی فیلسوفان و متخصصان حرفه‌ای در دنیا پذیرفته شده است و زیبایی‌شناسی به عنوان یکی از الزامات تعلیم و تربیت برای آشناکردن فراگیران با تجربیات جدید و به عنوان یک کارکرد اساسی آموزش، در فرایند یاددهی و یادگیری و ابعاد تربیتی مورد توجه است. با عنایت به این امر و با توجه به اهمیت زیبایی‌شناسی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی و همچنین در نظر گرفتن ابعاد زیبایی‌شناسی در تعلیم و تربیت، پژوهش حاضر به طراحی و تبیین الگوی برنامه درسی زیبایی‌شناسی در دانشگاه فرهنگیان پرداخته است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، کیفی و از نظر هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را متولیان، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان درسی دانشگاه فرهنگیان تشکیل می‌دهند. از این جامعه آماری، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، و با مصاحبه با ۱۴ نفر، اشباع نظری در داده‌ها حاصل شد. این افراد همگی از سمت‌های مدیریتی و اجرایی و از تألیفات شایان توجه در حوزه دانشگاه فرهنگیان

برخوردار بودند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود که به تبیین عناصر برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان از قبیل اهداف، محتوا، روش و ارزشیابی در راستای تربیت زیبایی‌شناسی می‌پرداخت. روایی صوری و محتوایی این ابزار توسط پنج نفر از متخصصان حوزه دانشگاه فرهنگیان بررسی شد. بدین صورت که هر متن مصاحبه توسط دو نفر ارزیابی شده و در نهایت، اعتبار آن تأیید شد. پایایی مصاحبه هم نیز از طریق پایایی بین کدگذاران بررسی و تأیید شد. برای تعیین «روایی و پایایی داده‌ها» از دو معیار مورد نظر صاحب‌نظران مطالعات کیفی، شامل: قابلیت اطمینان^۱ و قابل قبول بودن^۲ استفاده شد.

- برای قابل قبول بودن و تأیید درستی یافته‌ها، رونوشت‌های مصاحبه برای مصاحبه‌شوندگان ارسال شد و موافقت یا مخالفت آن‌ها با مطالب ذکر شده و یافته‌های پژوهش مشخص شد.
- به منظور تضمین قابلیت اطمینان تلاش شد تا فرایندها و تصمیم‌های مربوط به پژوهش به طور واضح در متن پژوهش تشریح شود.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساختاریافته، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. در این راستا، پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، نخست با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، مضامین و مفاهیم اصلی در متن مصاحبه‌ها مشخص شدند و به این واسطه کدها حاصل شدند. در این مرحله، کدهای تکراری حذف و کدهای مشابه در هم ادغام شدند و سرانجام با تحلیل محتوای کیفی انجام شده بر روی این کدها، مقوله‌ها حاصل شدند. در همین راستا، برخی از ویژگی‌های جامعه‌شناختی مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ ذکر می‌شود.

جدول ۱. ویژگی‌های جامعه‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

مسئولیت اجرایی	مرتبۀ علمی	رتبه سابقه فعالیت	رشته تحصیلی	مدرک تحصیلی	کد مصاحبه‌شونده
مدیر گروه علوم تربیتی	استاد	۲۸	برنامه‌ریزی درسی	دکتری	۱
مدیر کل در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی	دانشیار	۲۴	برنامه‌ریزی درسی	دکتری	۲
استاد دانشگاه	دانشیار	۲۱	فلسفه تعلیم و تربیت	دکتری	۳

1. Dependability

2. Credibility

مسئولیت اجرایی	سابقه فعالیت	مرتبه علمی	رشته تحصیلی	مدرک تحصیلی	کد مصاحبه‌شونده
مدیر دانشگاه فرهنگیان	۱۰	استادیار	برنامه‌ریزی درسی	دکتری	۴
معاونت آموزشی دانشگاه	۲۵	دانشیار	فلسفه تعلیم و تربیت	دکتری	۵
استاد دانشگاه	۹	استادیار	فلسفه هنر	دکتری	۶
مسئول بازنگری برنامه‌های درسی دانشگاه	۱۸	دانشیار	برنامه‌ریزی درسی	دکتری	۷
مدیر دانشگاه فرهنگیان	۷	استادیار	برنامه‌ریزی درسی	دکتری	۸
استاد دانشگاه	۲۹	استاد	برنامه‌ریزی درسی	دکتری	۹
استاد دانشگاه	۱۹	دانشیار	فلسفه تعلیم و تربیت	دکتری	۱۰
مدیر دانشگاه فرهنگیان	۲۲	مربی	فلسفه هنر	دانشجوی دکتری	۱۱
استاد دانشگاه	۶	استادیار	فلسفه تعلیم و تربیت	دکتری	۱۲
مدیر گروه	۷	استادیار	فلسفه هنر	دکتری	۱۳
دانشگاه فرهنگیان	۳	استادیار	برنامه درسی در آموزش عالی	دکتری	۱۴

یافته‌های پژوهش

در این بخش، هر یک از سؤالات مطرح شده و تحلیل‌های مرتبط با آن در ذیل هر سؤال ارائه شده است.

سؤال اول: هدف در برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی چگونه است؟

مقوله‌های استخراج ده به همراه نمونه‌ای از روایت‌های مصاحبه‌شوندگان برای هر مقوله در زیر ارائه شده است.

جدول ۲. مهم‌ترین مقوله‌های اظهارشده در زمینه تبیین اهداف برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی توسط مصاحبه‌شوندگان

ردیف	خرده‌مقوله‌ها	مقوله اصلی	فراوانی پاسخ‌دهندگان	درصد
۱	- تفکر و ژرف‌اندیشی در در زمینه موضوعات زیبایی‌شناسی - رشد انسجام فکری و انسجام حافظه - پرورش قوه خلاقیت به سبب رشد فکری - معنادگی و عمق‌بخشی به مفاهیم	شناختی	۱۴	۱۰۰
۲	- لحاظ کردن ملاحظات ارزشی و عوامل فرهنگی در فرایند آموزش - دورکردن فراگیران از موارد غیر اخلاقی - اهتمام و توجه به نیازها و رغبت‌های فراگیران - رشد احساس همدلی	عاطفی	۱۲	۸۶
۳	- توان خلق و ابداع هنر و آثار زیبا - برخورداری از مهارت‌های لازم برای زندگی حال و آینده - توجه به دروس عملی برخوردار از ارزش ابزاری و کاربردی	روانی- حرکتی	۱۱	۷۸٫۵
۴	- توجه همزمان و توأم کردن شناخت با احساس - توجه به نیاز فرد و اجتماع - لحاظ کردن اهداف اجتماعی و عقلانی در تدوین اهداف - ترکیب و امتزاج جنبه‌های شناختی، روانی حرکتی و نگرشی	جامع‌نگری و تلفیقی بودن	۹	۶۴

از نظر مصاحبه‌شونده شماره ۷، هدف تربیت زیبایی‌شناسی، خلاقیت، نوآوری و خیال‌ورزی است. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۹ که از سیاست‌گذاران در حوزه دانشگاه فرهنگیان ایران بود، پرورش خلاقیت را سبب رشد فکری می‌داند. وی در این زمینه بیان داشت:

«تربیت زیبایی‌شناسی از طریق ارائه تجربه مستمر، ابزاری برای رشد فکری است؛ زیرا تجربه و دانش باعث گشودگی در برابر روش‌های دانستن می‌شوند و روش‌ها و دیدگاه‌های جدید دانستن، ذهن را به چالش می‌کشانند».

مصاحبه‌شونده شماره ۵ که از دست‌اندرکاران درحوزه برنامه‌ریزی درسی دانشگاه فرهنگیان است، عمق‌بخشی به مفاهیم را به عنوان هدف برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان براساس مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی مورد تأکید قرار داده است. وی در این زمینه اعتقاد داشت:

«تربیت زیبایی‌شناسی راهبرد ایجاد توانمندی در افراد است که نسبت به تجارب جدید، به روش‌های جدیدی تفکر نمایند و از مسائل آگاه شوند. از طریق هنرها، آگاهی به دست آمده و بینش‌های شخصی وجود هر انسان گسترش می‌یابد و این امر به افزایش دانش مفهومی می‌انجامد که ژرف‌اندیشی در زمینه موضوعات را به همراه دارد».

مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۱۲ و ۱۳، توجه به رغبت‌های فراگیران را در تدوین اهداف برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی از اهمیت والایی دانستند. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۲ که از سیاستگذاران سازمان پژوهش بود باور داشت:

«اهداف باید بر اساس رغبت‌ها، علایق و نیازهای شاگردان تنظیم شود و طوری به نظر رسند که مسائل وی را حل می‌نماید. فراگیر در برابر هر آن چیزی که از بالا به وی تحمیل شود، مقاومت می‌نماید و لذا باید به این احساس برسد که یاد می‌گیرد چون نیاز دارد».

بر اساس دیدگاه مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۵، ۸ و ۱۲، علم همراه با عمل راه رسیدن به هدف نهایی تعلیم و تربیت است. برای نمونه مصاحبه‌شونده شماره ۵ که از دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه فرهنگیان بود بیان کرد:

«دروسی که دارای ارزش ذاتی هستند باید در برنامه درسی محفوظ بمانند، ولی دروسی که ارزش ابزاری دارند باید به گونه‌ای تدریس و آموخته شوند که یادگیرنده عملاً در جریان زندگی، خود به ارزش آن‌ها پی ببرد».

همچنین، طبق نظر مصاحبه‌شونده شماره ۱۲، چون هدف در تربیت زیباشناسی دیویی کسب تجارب لازم برای ورود به جریان زندگی است، باید آموزش مهارت‌های لازم برای زندگی روزمره مورد توجه قرار گیرد و زندگی با یادگیری مترادف در نظر گرفته شود.

اهداف برنامه درسی باید به صورت تلفیقی از شناخت، هنر، زیبایی‌شناسی و مهارت باشد (سرممدی و همکاران، ۱۳۹۷). در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۴ که از مدیران دانشگاه فرهنگیان بود، اعتقاد داشت:

«رشد قوه خیال، عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی (درک و خلق زیبایی) متریبان و توان رمزگشایی و کشف وجوه زیبایی‌شناختی امور هنری و پدیده‌های زیبا (اعم از زیبایی‌های حسی و غیر محسوس) و خلق آثار هنری باید به طور یکسان مورد توجه قرار گیرد. به بیان دیگر، می‌توان گفت که تربیت زیبایی‌شناسی هم در تحقق اهداف شناختی (درک و فهم مسأله و خلاقیت)، هم در حصول اهداف عاطفی (شکل‌گیری نگرش‌ها و ارزش‌های متعالی انسانی) و هم در بروز اهداف مهارتی (ایجاد و رشد مهارت‌های مربوط به دستکاری) نقش انکارناپذیری دارد».

سؤال دوم: محتوا در برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی چگونه است؟

مقوله‌های استخراج‌شده به همراه نمونه‌ای از روایت‌های مصاحبه‌شوندگان برای هر مقوله در زیر ارائه شده است.

جدول ۳. مهم‌ترین مقوله‌های اظهارشده در زمینه تبیین محتوای برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی^۱ توسط مصاحبه‌شوندگان

ردیف	خرده‌مقوله‌ها	مقوله اصلی	فراوانی پاسخ‌دهندگان	درصد
۱	- همسان‌سازی تجربیات علمی، هنری و خلاقیت با متن برنامه‌های درسی - دریافت واقعیت و افزایش آگاهی از واقعیت - هدایت فراگیران به سمت جست‌وجوی معانی و کشف حقایق	توجه به حیطه دانش	۱۳	۹۳
۲	- رشد و پرورش احساسات و تمایلات درونی - توجه به هیجانات انسان - ایجاد حرکت و تغییر در تجربه افراد (خودآگاهی)	توجه به حیطه نگرش	۱۱	۷۸/۵
۳	- خلق معانی هنری و زیبایی‌شناختی - نقد و ارزیابی آثار هنری و زیبایی‌شناسی - تولید آثار بدیع	توجه به حیطه مهارت	۱۰	۷۱

۱. با توجه به یکسان‌بودن مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی از دیدگاه دیویی، مواردی از مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی به دست آمده از مصاحبه با اساتید با مقاله‌های انصاری و همکاران (۱۳۹۳)، و سرمدی و همکاران (۱۳۹۷) شباهت دارند.

ردیف	خرده‌مقوله‌ها	مقوله اصلی	فراوانی پاسخ‌دهندگان	درصد
۴	<ul style="list-style-type: none"> - اتحاد تجربه‌های فکری و هیجانی در فراگیران - برقراری ارتباط بین تجارب جدید با تجارب منطقی سازماندهی شده اما نسبتاً دور بشری - تلفیقی از علوم طبیعی و اجتماعی به طور توأمان 	<ul style="list-style-type: none"> وحدت و یکپارچگی محتوا 	۹	۶۴
۵	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از محتواهای متنوع و متفاوت - استفاده از محتوای متناسب با تجارب کنونی شاگردان و در ارتباط با زندگی - بسط و تغییر محتوا 	<ul style="list-style-type: none"> پویایی محتوا 	۹	۶۴

به باور مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۱، ۳ و ۹، در تدوین محتوای برنامه‌درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی، باید در جست‌وجوی معانی جدید بود. به اعتقاد آن‌ها در این زمینه باید به انتقال و دریافت سریع مفاهیم، تأمل و تعمق کردن شاگردان درباره‌تصویرهای ذهنی ناشی از احساسات هنری، افاده‌کردن معنا و اهمیت‌یافتن آن از طریق تخیل، دریافت واقعیت و افزایش آگاهی ما از واقعیت، و هدایت فراگیران به سمت جست‌وجوی معانی و کشف حقایق توجه ویژه‌ای کرد.

براساس دیدگاه مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۸ و ۱۱، پرورش احساسات متعالی و بیداری وجدان انسانی، موضوع بااهمیتی است که در تدوین محتوای برنامه‌درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی باید مورد التفات قرار گیرد. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ که از دست‌اندرکاران برنامه‌ریزان درسی دانشگاه فرهنگیان بود، اعتقاد داشت:

«ایجاد وحدت شخصیت، دوری کردن فراگیران از روزمرگی و موقعیت‌های آشفته، افزایش خودآگاهی، آگاهی از مقاصد خویش، آگاهی از احساسات و پاسخ‌های احساسی، معنادارکردن هیجانان انسان و ایجاد حرکت و تغییر در تجربه افراد (خودآگاهی) و درک کردن محتوای حسی و احساسی از موضوعات مهمی است که در تدوین محتوا می‌بایست مورد توجه قرار گیرد».

مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۵ و ۱۰ به توسعه تجربه‌های شخصی و بسط و توسعه تجربه مستقیم تأکید داشتند. مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۳ و ۱۱ معتقد بودند که محتوای برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی، باید به ایجاد ارتباط و مشارکت بیشتر افراد با محیط اجتماعی بینجامد. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۷ که از سیاستگذاران و برنامه‌ریزان درسی دانشگاه فرهنگیان بود اعتقاد داشت که مشارکت بالای فراگیران به ایجاد کنش و واکنش و تعامل بین فرد و محیط می‌انجامد که این مشارکت جدی و کامل در فعالیت‌ها به افزایش ابعاد هوش اجتماعی منتهی می‌شود.

به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۴ و ۱۲، یکپارچگی محتوا و تبدیل شدن آن به یک تجربه منسجم، و اتحاد تجربه‌های فکری و هیجانی در فراگیران در تدوین محتوای تربیت زیبایی‌شناسی بر اساس مؤلفه‌های مورد نظر دیویی از اهمیت اساسی برخوردار است.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ که از اساتید دانشگاه فرهنگیان است، در این زمینه اعتقاد داشت:

«محتوای آموزشی به دور از تک‌بعدی و به صورت میان‌رشته‌ای و از حوزه‌های مختلف و به روش به‌گزینی انتخاب شود و باید از محتوای اصیل و واقعی و تلفیقی استفاده نمود و باید با فناوری‌های نوین تلفیق شود».

مصاحبه‌شونده شماره ۹ اعتقاد داشت که محتوا نباید از قبل تعیین شده باشد و بلکه باید متناسب با تجارب کنونی شاگردان و در ارتباط با زندگی آن‌ها انتخاب شود. روش‌های هنر تعاملی^۱، شامل پرورمنس‌ها و اجراهای نمایشی (مصاحبه‌شونده شماره ۱۲)، و بسط و تغییر محتوا (مصاحبه‌شونده شماره ۱۳) از موضوعات بااهمیت دیگری بود که در این زمینه توسط مصاحبه‌شوندگان بیان شد.

سؤال سوم: روش یاددهی-یادگیری در برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی چگونه است؟

مقوله‌های استخراج شده به همراه نمونه‌ای از روایت‌های مصاحبه‌شوندگان برای هر مقوله در زیر ارائه شده است.

جدول ۴. مهم‌ترین مقوله‌ها در زمینه تبیین روش یاددهی یادگیری در برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی توسط مصاحبه‌شوندگان

ردیف	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌ها	فراوانی پاسخ‌دهندگان	درصد
۱	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد روحیه کنجکاوی و پرسشگری در شاگردان - طرح سؤال و مسأله برای شاگردان - امتزاج آموزش و تدریس با دیگر هنرها و استفاده مربیان از تدریس خلاق - استفاده از یافته‌های روان‌شناسی در فرایند تدریس 	<ul style="list-style-type: none"> بهره‌گیری از روش‌های تدریس فعال 	۱۴	۱۰۰
۲	<ul style="list-style-type: none"> - تأکید بر سازنده‌گرایی در فرایند یاددهی یادگیری - استفاده از رویکرد زیبایی‌شناسی برای فعالیت‌های یادگیری - قرارگرفتن در موقعیت‌های مبهم و حل مسأله 	<ul style="list-style-type: none"> فعالیت محوری در یاددهی یادگیری 	۱۳	۹۳
۳	<ul style="list-style-type: none"> - مقتضیات ذهنی و رشدی فراگیران در آموزش - ایجاد نوآوری و خلاقیت فردی و جمعی در کلاس درس با توجه به شرایط روحی فراگیران 	<ul style="list-style-type: none"> تفاوت‌های فردی فراگیران 	۱۱	۷۸/۵
۴	<ul style="list-style-type: none"> - مشارکت‌دادن فراگیران در کلاس درس - واگذاری اداره امور کلاس به فراگیران 	<ul style="list-style-type: none"> اختیارات و استقلال فراگیران 	۱۰	۷۱
۵	<ul style="list-style-type: none"> - برقراری ارتباط بین فعالیت‌های تدریس - تلفیق و ترکیب جنبه‌های علمی و هنری در تدریس 	<ul style="list-style-type: none"> ساختارمندکردن تدریس 	۹	۶۴
۶	<ul style="list-style-type: none"> - زیباسازی فضای عاطفی و روانی اجتماعی در تدریس با استفاده از قواعد زیبایی‌شناختی - تلفیق تکنولوژی آموزشی با فرایند کلی تدریس - ایجاد ارتباط دوسویه و استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و چندرسانه‌ای یا مولتی‌مدیا در کلاس درس 	<ul style="list-style-type: none"> تدارک فضای آموزشی مناسب 	۹	۶۴
۷	<ul style="list-style-type: none"> - روابط تعاملی و درک احساسات یکدیگر - ارتباط صمیمی بین معلم و شاگرد - برخورداری مربی از صبر و حلم - داشتن صداقت در تدریس 	<ul style="list-style-type: none"> ارتباط صمیمی استاد با فراگیران 	۸	۵۷

مصاحبه‌شونده شماره ۶ که از اساتید دانشگاه فرهنگیان است، اعتقاد داشت:

«تدریس وقتی زیبایی‌شناختی است که ذهن فراگیر را هم دخالت دهیم. در تدریس هنری، هم معنای درونی و هم بیرونی لازم است مد نظر باشد. معنایی که مشترک بین همه است و هم معنایی که فراگیر خاص از آن دارد. باید روش‌های فعال تدریس (همچون روش تدریس حل مسئله، اکتشاف گروهی و دیگر روش‌های فعال) را در زمینه تربیت هنری و زیبایی‌شناسانه فراگیران به کار گرفت».

مصاحبه‌شونده شماره ۹ که از استاد دانشگاه فرهنگیان است، در این زمینه بیان داشت:

«هر تجربه‌ای که سمت و سوی زیباشناسانه داشته باشد و مؤلفه‌های هنری از قبیل لذت زیباشناسانه، انطباق فرم و محتوا، هماهنگی، نسبت‌های درست، خلاقیت، حل مسئله و... در آن دخیل باشد، می‌تواند در فرایند پرورش و آموزش یاری‌دهنده باشد».

به زعم مصاحبه‌شونده شماره ۹، باید به اقتضائات سنی و رشدی فراگیران در آموزش توجه شود. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ با تأکید بر تفاوت‌های فردی اعتقاد داشت که ایجاد نوآوری و خلاقیت فردی و جمعی در کلاس درس با توجه به روح و روان تک‌تک دانشجویان صورت گیرد.

همچنین، مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ باور داشت که گسترده‌شدن اختیارات و استقلال فراگیران، سبب می‌شود که فراگیران بر اساس دامنه اختیاراتی که دارند، احساسات خود را در کلاس درس به صورت آگاهانه جلوه‌گر کنند و فعالیت‌ها و رفتار خود را بر اساس آن تنظیم کنند. به هر حال، مرحله تدریس باید به مرحله قبل و بعد آن متصل باشد و از تجارب کلی استفاده شود. همچنین، بین ادراک‌های قبلی و ادراک‌ها یا آموخته‌های جدید ارتباط برقرار شود (سرمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

ایجاد شور و نشاط و به طور کلی، بانشاط‌کردن کلاس درس به عنوان موضوع بااهمیتی بود که توسط مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۴، ۶ و ۱۳ بیان شد. مصاحبه‌شونده شماره ۶ در این زمینه به افزایش شادابی، پویایی و زیباسازی فضای عاطفی و روانی اجتماعی در تدریس با استفاده از قواعد زیبایی‌شناختی تأکید داشت.

رابطه معلم و شاگرد در تربیت هنری باید مبتنی بر روابط تعاملی و درک احساسات یکدیگر (به ویژه درک احساسات شاگرد توسط معلم) باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۵). از نظر مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۲ و ۱۳، اعتمادکردن فراگیر به استاد سبب می‌شود که حرف و رفتار استاد از تأثیر مثبتی برخوردار باشد.

سؤال چهارم: ارزشیابی در برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی چگونه است؟

مقوله‌های استخراج‌شده به همراه نمونه‌ای از روایت‌های مصاحبه‌شوندگان برای هر مقوله در زیر ارائه شده است.

جدول ۵. مهم‌ترین مقوله‌های اظهارشده در زمینه تبیین روش ارزشیابی در برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی توسط مصاحبه‌شوندگان

ردیف	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌ها	فراوانی پاسخ‌دهندگان	درصد
۱	- فراهم کردن موقعیت‌های مسأله‌مدار در ارزشیابی مفاهیم زیباشناختی - توجه به ارزشیابی کل‌نگر - ارتقای شاخص‌های کیفی ارزشیابی	ارزشیابی	۱۳	۹۳
		کیفی	۱۱	۷۸/۵
۲	- اولویت‌دادن به کنش‌محوری، عمل و تجربه - توجه به توانایی‌های عملی و کاربردی فراگیران در زمینه‌های ساختن و آفرینش	عمل‌گرایی درارزشیابی	۱۰	۷۱
۳	- تصمیم‌گیری جمعی و تعهد به تصمیم‌گیری در ارزشیابی - خودارزشیابی	انعطاف در ارزشیابی	۱۰	۷۱
۴	- توجه به همراهی معلم با فراگیر در فرایند ارزشیابی - ایجاد فرصت تولید هنری در زمینه تدریس	ارزشیابی تدریجی	۹	۶۴

از نظر مصاحبه‌شونده شماره ۶، ارزشیابی پدیده‌های هنری بیش از آن که کمی باشند، کیفی‌اند.

وی در این زمینه بیان کرد:

«برای اموری که بر احوال و محسوسات مبتنا دارد، نمی‌توان پارامترهای دقیقی برای ارزشیابی تعریف کرد. با این حال بهترین نوع ارزشیابی، به نظر من ارزشیابی ورودی و خروجی هر فرد بر اساس مقدار دگرگونی و بیان خویشتن در یک دوره از طریق بیان هنری است. از سوی دیگر تغییر رفتار کلی در یک جامعه به عنوان مثال در یک کلاس درس دانشگاه را می‌توان ارزشیابی کلی کرد».

به زعم مصاحبه‌شونده شماره ۸، فراهم کردن موقعیت‌های مسأله‌مدار در جهت شگفت‌زدگی و تأنی و تأمل زیباشناختی از اصول اساسی در ارزشیابی برنامه‌دستی مبتنی بر مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی است.

مصاحبه‌شونده شماره ۲ معتقد بود در ارزشیابی بر اساس مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی، توجه به ارزشیابی همه‌جانبه و کل‌گرا باید مورد توجه قرار گیرد و نیمرخ یادگیری ترسیم شده مبتنی بر ارزشیابی از کلیه اطلاعات و شواهد جمع‌آوری شده باشد. این امر به ارتقای کیفیت ارزشیابی می‌انجامد.

به زعم مصاحبه‌شونده شماره ۷، ارزشیابی در تربیت زیبایی‌شناسی بر اساس یک سیستم فکری، نظام‌دار یعنی عمل‌گرا است. از نظر مصاحبه‌شونده شماره ۱۱، کنش‌محوری و عمل و تجربه در این نوع ارزشیابی در اولویت قرار دارد.

در ارزشیابی براساس رویکرد زیبایی‌شناسی دیویی، اهداف ارزشیابی از قبل تعیین شده نیست و در ارزشیابی، نظرات فراگیران هم اهمیت دارد (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۵، ۸ و ۱۲). از نظر مصاحبه‌شونده شماره ۴، از آنجا که ارزشیابی در تربیت زیبایی‌شناسی دیویی، مبتنی بر داوری ارزشی و اخلاقی از آثار فراگیران است، بنابراین، روش‌ها در این نوع ارزشیابی باید از انعطاف زیادی برخوردار باشند. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ نیز باور داشت:

«در این نوع ارزشیابی، به بعد زیبایی‌شناسی آثار فراگیران در ارزشیابی از آن‌ها توجه می‌شود و از ملاک‌ها، معیارها و انتظارات غیر قابل انعطاف پرهیز شده و تلاش در جهت سازگاری و انطباق رفتارها و ظهور تجربه‌های با کیفیت زیبایی‌شناختی در فراگیران است».

از نظر مصاحبه‌شونده شماره ۱۳، در تربیت زیبایی‌شناسی، باید ارزشیابی به صورت مستمر و توصیفی انجام بگیرد. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ به بازخوردهای اصلاحی حاصل از ارزشیابی تکوینی اشاره کرد و معتقد بود:

«یکی از امتیازات ارزشیابی تکوینی، بازخوردهای آنی برای اصلاح است و این امر در دانشگاه فرهنگیان که اصول معلمی را به فراگیران می‌آموزند، از اهمیت مضاعفی برخوردار است. زیرا آشنایی و کاربست انواع روش‌های تدریس و اصول مدیریت کلاس، به عنوان امری زیبایی‌شناسانه مطرح است که بازخوردها می‌تواند به اثربخشی یادگیری در این زمینه بیفزاید.»

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به تبیین عناصر برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان و ارائه الگوی متناسب با آن پرداخته است. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد در تدوین برنامه درسی تربیت زیبایی‌شناسی در دانشگاه فرهنگیان، به کل‌گرایی و پرورش همه‌جانبه فراگیران تأکید بسیاری شده است. این موضوع در اصول و در نتیجه عناصر برنامه درسی مذکور نمایان است. چنانچه در اصول بر پرورش تمام ابعاد وجودی فراگیران تأکید شده و در اهداف به حیطه‌های شناختی، عاطفی، و روانی-حرکتی و به تبع آن، در محتوا نیز به دانش، نگرش و مهارت توجه شده است. این ابعاد نشان‌دهنده همه‌جانبه‌نگری در امر تربیت زیبایی‌شناسی است. در حیطه روش‌های یاددهی-یادگیری، توجه به تفاوت‌های فردی فراگیران، نشان‌دهنده اهتمام به همه ابعاد تربیت فراگیر و تفاوت‌های بین فراگیران در هر یک از این ابعاد و در نتیجه لزوم ملاحظه همه این ابعاد در برنامه درسی تربیت زیبایی‌شناسی است. این جامع‌نگری و توجه به همه جوانب تربیتی، سبب می‌شود که در ارزشیابی، به طور منعطف عمل کرد و بسته به نقاط ضعف و قوت افراد در ابعاد مختلف، از روش‌های متنوع ارزشیابی استفاده شود.

نتیجه پژوهش حاضر مبنی بر کل‌گرایی و پرورش همه‌جانبه فراگیران، با بخش‌های از نتایج پژوهش‌های صورت گرفته توسط انصاری (۱۳۹۳)، و سرمدی و همکاران (۱۳۹۷) همسو است.

آن‌ها در پژوهشی دریافتند که در تجربه زیباشناسی عوامل مؤثر و هنرمندانه‌ای مانند احساس، ابراز و تخیل در کنار خردورزی از اجزای ضروری تربیت به حساب می‌آید و موجب تکمیل تجربه، درک، معنا و فهم ارزش در افراد می‌شود. دیویی معتقد است که زیبایی‌شناسی کل تجربه‌های زنده را ترکیب می‌کند.

فعالیت محوری و اهتمام به یادگیری فعال، نیز از دیگر موضوعات بااهمیتی بود که در تحلیل محتوای منابع و همچنین، توسط خبرگان در تدوین برنامه درسی تربیت زیبایی‌شناسی در دانشگاه فرهنگیان مورد تأکید قرار گرفت. این نتیجه، با نتیجه تحقیق اورماچر (۲۰۱۸) همسو است. وی در تحقیق خود با استفاده از تجربیات زیباشناسانه دیویی نشان می‌دهد تدارک فرصت‌هایی برای فراگیران به منظور کسب تجربیات یادگیری زیباشناسانه امکان‌پذیر است. وی همچنین، یکی از پیامدهای مهم تربیت زیبایی‌شناسی را پشتکار و اصرار فراگیر در فعالیت درگیرانه زیبایی‌شناسی می‌داند. این امر از بسیاری از جهات از اهمیت والایی برخوردار است و در مفروضات، اصول و در نتیجه عناصر برنامه درسی تربیت زیبایی‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. فعالیت محوری سبب پرورش تخیل و خلاقیت فراگیران می‌شود. به واسطه درگیر شدن فراگیران در انجام فعالیت‌ها است که فعالیت‌های نوآورانه و ابداعی شکل گرفته و رشد می‌یابد. متأسفانه، نظام آموزشی دانشگاه فرهنگیان، به صورت انفعالی بوده و آموزش به صورت انتقالی صورت می‌گیرد. بنابراین، تدارک مجموعه فرصت‌هایی در راستای فعال کردن فراگیران در فعالیت‌ها و تکالیف درسی از موضوعات اساسی در تربیت زیبایی‌شناسی است. این امر به ویژه در برنامه‌های کارورزی در دانشگاه فرهنگیان که با هدف تربیت معلمان فکور صورت می‌گیرد، اهمیت بسیاری دارد.

در مجموع، بر اساس آنچه ذکر شد، می‌توان گفت الگوی برنامه درسی مبتنی بر تربیت زیبایی‌شناسی در دانشگاه فرهنگیان، رویکردی کل‌گرا و همه‌جانبه‌نگر بوده و توجه به همه جوانب تربیتی فراگیر در اولویت کاری برنامه‌ریزان درسی دانشگاه فرهنگیان قرار دارد. در این فرایند، بسترسازی مناسب در جهت رشد و پرورش همه‌جانبه فراگیران (کل‌گرایی) که در مفروضات بیان شد، به مثابه مرحله اساسی در الگو مطرح است. بر پایه این مفروضات، اصولی که برنامه درسی بر

اساس آن قرار دارد، مطرح می‌شود و اصول مورد نظر به عناصر برنامه‌دستی شکل می‌دهند. این عناصر که در راستای اصول هستند، از هدف‌گذاری شروع شده و در یک فرایند تربیتی و مرحله به مرحله به محتوا، روش، و در نهایت، ارزشیابی ختم می‌یابد. ارزشیابی به عنوان آخرین عنصر، حالت بازخوردگونه داشته و به همه عناصر پیشین بازخورد ارائه می‌کند. این بازخورد، حالت اصلاحی و ترمیمی برای برنامه‌دستی تدوین شده دارد. این الگو در شکل ۱ نشان داده شده است:



شکل ۱. الگوی پیشنهادی برنامه‌دستی تربیت زیبایی‌شناسی در دانشگاه فرهنگیان

در صورتی که دانشجو معلم از تربیت هنری برخوردار شوند، به عنوان معلمان آینده، این تربیت هنری می‌تواند در تشخیص بسیاری از مشکلات عاطفی و نیازهای روانی دانش‌آموزان و مرتفع کردن آن‌ها مؤثر باشد. تربیت هنری دریچه‌ای است که بر تفکرات، تخیلات و احساسات فرد گشوده می‌شود و می‌تواند در تشخیص نابسامانی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان مانند افسردگی، اختلالات یادگیری و دیگر مشکلات به عنوان نوعی درمان به کار گرفته شود.

تربیت زیبایی‌شناختی به عنوان یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت و شیوه مؤثر در پرورش خلاقیت و ایجاد حس قدردانی در فراگیران است. بنابراین، اجرای تربیت زیبایی‌شناختی مستلزم دستیابی به تجربیات زیبایی‌شناختی در تعلیم و تربیت است (کارول، ۲۰۱۲). در وضعیت کنونی برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان، تأکید ویژه بر حیطه شناختی و پروراندن آن در فراگیران است و از جنبه عاطفی غفلت می‌شود. برنامه درسی با رویکرد زیبایی‌شناسی می‌تواند به عنوان مکمل برنامه درسی فعلی که با رویکرد شناختی طراحی شده است، باشد.

تربیت زیبایی‌شناختی در نظام آموزشی راهی برای توجه به بعد عاطفی، علاقه، خواسته، تمایلات، انگیزه، استعداد، تفاوت‌های فردی و... فراگیران در برنامه درسی است. توجه به بعد احساسی و عوامل هنری و درک زیبایی‌شناسی در مسائل آموزشی و تربیتی، حس لذت و رضایت‌مندی در فراگیران را بر می‌انگیزد و منجر به ایجاد انگیزه درونی برای یادگیری بیشتر و پرورش استعدادهای نهفته و بروز خلاقیت در آنان شده و در نهایت، باعث تقویت یادگیری در فراگیران می‌شود.

الگوی حاصل شده در پژوهش حاضر می‌تواند در سیاست‌های خرد نظیر مدیریت کلاس درس و در سیاست‌های کلان نظیر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی برای دانشگاه فرهنگیان مورد استفاده سیاستگذاران، متولیان و ذی‌نفعان این دانشگاه قرار گیرد.

منابع

- ادیب‌منش، مرزبان (۱۳۹۶). تبیین ابعاد و مؤلفه‌های برنامه‌دستی معنوی به منظور بررسی قابلیت اجرای آن در دانشگاه فرهنگیان از دیدگاه اساتید و مدیران. رساله‌دکتری، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
- انصاری، مریم (۱۳۹۳). تحلیلی بر نظریه تجربه زیبایی‌شناسی جان دیویی: به منظور پیشنهاد الگوی تجربه زیباشناسانه در تربیت اخلاقی. رساله‌دکتری، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
- پورحسینی، محمد (۱۳۹۴). تبیین دلالت‌های دیدگاه جان دیویی در خصوص هنر و زیبایی‌شناسی برای فرایند تدریس و یادگیری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- سرمدی، محمدرضا، اسماعیلی، زهره، فرج‌الهی، مهران، و موسوی، سیدصاحب (۱۳۹۷). استلزامات تربیتی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی جان دیویی در نظام آموزشی از راه دور ایران. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۳۲، ۱۸۵-۱۳۵.
- شریف‌زاده، حکیمه‌السادات، و تسلیمیان، ناصر (۱۳۸۹). تبیین زیبایی‌شناسی در فلسفه تعلیم و تربیت، مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران.
- طهماسب‌زاده، داود (۱۳۹۳). مدل مفهومی برنامه‌دستی مبتنی بر رویکرد زیبایی‌شناسی. رساله‌دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- گرمابی، حسن‌علی، ملکی، حسن، بهشتی، سعید، و افهمی، رضا (۱۳۹۴). بازشناسی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه‌دستی از منظر منابع مکتوب و دیدگاه صاحب‌نظران. *مطالعات برنامه‌دستی ایران*، ۱۰(۳۹)، ۷۰-۴۹.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۹). بازشناسی مفهوم و تبیین جایگاه تخیل در برنامه‌های درسی و آموزش با تأکید بر دوره ابتدایی. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۱(۱)، ۲۰-۵.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۰). تبیین چرخش زیباشناسانه در تعلیم و تربیت: درس‌های خرد و کلان برای بهبود کیفیت آموزش با الهام از عالم هنر. *تعلیم و تربیت*، ۱۰۵، ۳۴-۱۱.

ندیمی، هادی (۱۳۹۳). *مدل مفهومی برنامه درسی مبتنی بر رویکرد زیبایی‌شناسی*. رساله دکتری در رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه بهشتی.

- Carroll, M. (2012). *Recent approaches to aesthetic experience*. New York: Henry Holt & Company publishers.
- Clarke, J. (2017). *Meaning and truth in the arts*. Chapel Hill: University of North Carolina Press.
- Girod, M., Twyman, T., & Wojcikiewicz, S. (2010). Teaching and learning science for transformative, aesthetic experience. *Science Teacher Education. Science Teacher Education*, 21(7), 801-824.
- Oral, S. B. (2007). *Teaching as consummatory experience: The aesthetic dimension of experience in the later works of John Dewey and its relevance to teaching and teacher education*. Doctoral Dissertation, Iowa State University.
- Uhrmacher, P. B. (2018). *Toward a theory of aesthetic learning experiences*. *Curriculum Inquiry*, 39(5), 613-636.